

شارلوت برونته



پروفیسور



ترجمہ: اسماعیل کیوانی

سرشناسه: عنوان و پدیدآور: مشخصات نشر: مشخصات ظاهری: شابک: وضعیت فهرست نویسی: یادداشت: موضوع: شناسه اثروده: رده بندی کنگره: رده بندی دیویی: شماره کتابخانه ملی:

Bronte, Charlotte برونته، شارلوت، ۱۸۱۶ - ۱۸۵۵ م.
 پروفیسور / شارلوت برونته؛ ترجمه اسماعیل کیوانی
 تهران: جامی، ۱۳۹۱.
 ۳۴۴ ص.
 978-600-176-069-3
 فیبا
 عنوان اصلی: The Professor
 داستان های انگلیسی - قرن ۱۹ م.
 کیوانی، اسماعیل - مترجم
 ۱۳۹۰ پ ۴۹ ب/ PZ۳
 ۸/ ۸۲۳
 ۲۹۴۵۳۷۲



خیابان دانشگاه، چهارراه وحید نظری، شماره ۵۲

تلفن ۶۶۴۰۰۲۲۳

www.Jamipub.com

info@jamipub.com

پروفیسور

شارلوت برونته

ترجمه: اسماعیل کیوانی

چاپ نخست: ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: دالاهو

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۱۷۶ - ۰۶۹ - ۳

ISBN: 978 - 600 - 176 - 069 - 3

۱۲۵۰۰ تومان

به نام ایزد یکتا

پیشگفتار

شارلوت برونته در ۲۱ آوریل ۱۸۱۶ در تورنتون نزدیک شهر برادفورد انگلستان در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشود. پدرش پاتریک برونته اهل ایرلند بود و سمت کشیشی را بر عهده داشت. او دارای سه دختر به نام‌های شارلوت، امیلی و آن و یک پسر به نام بران ول بود. این سه خواهر به واسطه استعداد و نبوغی که در داستان‌نویسی داشتند شهرت به‌سزایی پیدا کردند مخصوصاً شارلوت و امیلی در بیان احساسات تند درونی و قدرت تخیلی که در نهاد آن‌ها نهفته بود با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و بی‌عدالتی آن زمان باب جدیدی را در قرن نوزدهم در داستان‌نویسی گشودند. در پاییز ۱۸۴۵ سه خواهر دیوان شعری با نام‌های مستعار «کورر» و «الیس» و «آکتون بل» سرودند. علت انتخاب این نام‌ها محفوظ ماندن نام اصلی آن‌ها به واسطه اجتناب از رفتار شدید و خشن منتقدین آن زمان بود که نسبت به زنان روا می‌داشتند. این دیوان با هزینه خود آن‌ها به چاپ رسید. گرچه منتقدین کمتر به آن توجه کردند و فقط دو جلد آن به فروش رفت ولی راه پیشرفت آن‌ها را برای سه داستانی که قبلاً نوشته بودند هموار ساخت.

در سال ۱۸۴۷ «بلندی‌های بادگیر» اثر «امیلی» ، «آگنیس گری» اثر

«آن» توسط موسسه انتشارات «نیوبای» پذیرفته شد ولی شارلوت نتوانست کتاب «پروفیسور» خود را به چاپ برساند. در این وقت کتاب «جین ایر» او که در اوت ۱۸۴۶ در منچستر آغاز کرده بود تقریباً رو به اتمام می‌رفت و آن مصادف با زمانی بود که شارلوت با پدرش که برای عمل جراحی چشم‌های خود در منچستر به سر می‌برد زندگی می‌کرد. گرچه موسسه انتشارات «اسمیت الدر» کتاب پروفیسور را جهت چاپ پذیرفت ولی اعلام داشت که سه داستان دیگر خواهران بروتنه مورد توجهش قرار گرفته است. لذا شارلوت فوراً کتاب جین ایر را به پایان رساند و به ناشر ارائه نمود. این کتاب مورد قبول واقع گشت و پس از هشت هفته در ۱۶ اکتبر ۱۸۴۷ منتشر گردید و موفقیت شایانی کسب کرد.

قبل از نگارش کتاب «پروفیسور» شارلوت برای کسب معلومات بیشتر و تقویت زبان فرانسه به اتفاق خواهر خود امیلی به بروکسل مسافرت و در یکی از مدارس بلژیک نام‌نویسی کرد. قصدشان این بود که از خود مدرسه‌ای تأسیس نمایند به امید آن‌که پس از مراجعت از بلژیک سه خواهر در کنار پدر پیر خود زندگی کرده و از وی پرستاری و مواظبت نمایند و از شغل آموزگاری کناره‌گیری کنند اما بر خلاف خواسته آن‌ها امیلی نتوانست دوری و غربت را تحمل کند و پس از نه ماه به موطن خویش مراجعت کرد ولی شارلوت بعد از ده سال که تحصیلاتش را تکمیل نمود به زادگاه خویش بازگشت.

سال بعد تراژدی غم‌انگیزی برای خانواده بروتنه رخ داد چون «بران ول» برادر آن‌ها درگذشت و امیلی که در تشییع جنازه برادرش شرکت داشت به سرماخوردگی سختی مبتلا گردید که بعداً تبدیل به بیماری سل شد و معالجات در وی موثر واقع نگردید و در دسامبر همان سال او نیز بدرود حیات گفت. پس از او «آن» خواهر و نزدیک‌ترین دوست وفادار او به همان بیماری مبتلا شد. شارلوت موقتاً از نگارش کتاب «شرلی» صرف‌نظر و به پرستاری خواهر خویش پرداخت. گرچه «آن» در مورد معالجه خود بیماری فرمانبردار و مطیع بود معه‌ذا او نیز در بیستم مه

۱۸۴۹ رخت از جهان بربست. شارلوت در خانه خاله پدرش کتاب «شرلی» را به پایان رساند که در اکتبر همان سال منتشر شد. شارلوت سه بار به لندن مسافرت کرد و در این مدت مهمان «ژرژ اسمیت» ناشر کتاب‌هایش بود. او سومین خواستار خود را به نام «جیمس تیلور» که عضو شرکت «اسمیت الدر» بود رد کرد ولی به شخصی به نام «آرتربل نیکولز» که معاون بدوش و اهل ایرلند بود پاسخ مثبت داد. چند ماهی طول کشید تا رضایت پدر جلب گردید و در ژوئن ۱۸۵۴ مراسم ازدواج آن‌ها در کلیسای «هاوارت» انجام گرفت. آن‌ها ماه عسل خود را در ایرلند گذراندند و سپس به «هاوارت» مراجعت کرده و «نیکولز» مجدداً به کار خود که معاونت پدر شارلوت بود ادامه داد.

در این وقت شارلوت کتاب دیگر خود را به نام «اما» شروع کرد ولی چند صفحه‌ای از آن باقی نماند، بود که به بیماری سختی که بر اثر حاملگی او به وجود آمده و قوایش را رو به تحلیل می‌برد گرفتار شد و سرانجام در سی و یکم مارس ۱۸۵۵ دیده از جهان فرو بست. شوهرش پس از مرگ وی تا سال ۱۸۶۱ در «هاوارت» ماند و سپس به ایرلند رفت. گرچه کتاب «پروفسور» اولین اثر نویسنده در سال ۱۸۴۶ به رشته تحریر درآمده است ولی دو سال پس از مرگ وی یعنی در سال ۱۸۵۷ چاپ و منتشر گردید.

داستان پروفسور مانند سایر داستان‌های نویسنده در واقع آینه زندگی خود او بوده و نمایشگر احوال روحی و حالات درونی و چکیده احساسات اوست که اوضاع رقت بار زمان خود را با چیره‌دستی خاصی به زیر ذره‌بین نقد قرار داده و در برابر وضع نابسامان آن زمان از خود واکنش نشان می‌دهد. طنزنویسی و عبارات نیشدار او به خیلی از مقامات برمی‌خورد و آن‌ها را رنجیده و آزرده خاطر می‌ساخت ولی نویسنده دست از انتقاد برنداشته و به کار خویش ادامه می‌دهد. نکته جالب توجه این است با این‌که شارلوت خود یک زن بوده ولی اخلاق و روحیات و خواسته‌های یک مرد را به طرز قابل تأمل و تحسین برانگیزی به رشته

تحریر درآورده است که این خود مهارت و زبردستی او را در نگارش کتاب «پروفور» منی رساند. سرگذشت خواهران بروته و آثار آنان موجب گردید که سایر نویسندگان درباره آنها قلمفرسایی کرده و کتب متعددی راجع به زندگی آنها بنویسند.

اسماعیل کیوانی

www.ketab.ir